

خواندن آسان اما با بحران



نعمت‌الله فاضلی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

در قسمت پیشین درباره نثر مکتوب و مجازی سخن گفته شد. در این قسمت به دیگر ویژگی‌های نوشتار مجازی اشاره می‌شود.

انتخاب و سطره در خواندن

کتاب‌های الکترونیکی سبب آسان خواندن و ارتباط بیشتر و بهتر با جهان کتاب و کتابت می‌شوند. ما از طریق کتاب‌های الکترونیکی به آسانی می‌توانیم وارد این متن‌ها شویم و آن‌ها را مطابق نیاز یا میل خود دست‌کاری کنیم. ما می‌توانیم هنگام مطالعه متن‌های مجازی، به آسانی آن‌ها را گزینش و برای هدف‌های متفاوت علامت‌گذاری کنیم. به آسانی آن‌ها را کپی و در جای دیگری ذخیره کنیم. ما می‌توانیم آن‌ها را بدون اینکه کثیف، خط خورده، پاره یا فرسوده شوند، متناسب با نیازها و به شیوه دلخواه استفاده کنیم. می‌توانیم نقل قول‌ها و عباراتی را به گونه‌ای خاص علامت‌گذاری کنیم؛ مثلاً از راه رنگی کردن یا خط کشیدن الکترونیکی یا کپی کردن.

من در نتیجه ۴۰ سال کتاب‌خواندن، سلیقه و ذائقه خاصی نسبت به کتاب پیدا کرده‌ام. مثلاً دوست دارم کتاب‌هایم تا نخورده، تمیز و نو باشند. اما از طرف دیگر، دوست دارم وقتی کتاب را می‌خوانم، نکات جالب و مفید آن را به نوعی از آن خودم کنم. پیش‌ترها که کتاب‌ها الکترونیکی نبودند، یا همین حالا که متن الکترونیکی پاره‌ای کتاب‌ها را ندارم، با مداد و خط‌کش زیر آن عبارت‌ها خط می‌کشم یا در حاشیه سفید صفحه کتاب یادداشت می‌نویسم. گاهی هم عبارت‌هایی از این کتاب‌ها را در دفترچه مخصوص مطالعه‌ام می‌نویسم. این کار برایم دوست‌داشتنی است، اما اکنون به این نتیجه رسیده‌ام که نه تنها کار دشواری است، شاید چندان هم برایم سودمند نباشد. این کار وقت زیادی می‌گیرد، خسته کننده است و در نهایت نیز یادداشت‌ها یا متن‌های خط‌کشی شده به ندرت به کارم آمده‌اند.

البته با این کارها من می‌کوشم که هنگام خواندن مواجهه فعالی با متن داشته باشم. سود خط کشیدن و حاشیه‌نویسی برایم در استفاده‌های بعدی آن نیست، بلکه در خواندن فعال است. اما وقتی به کمک متن‌های الکترونیکی خواندن فعال‌تری دارم، طبیعتاً ترجیح می‌دهم کتاب‌ها را تا می‌توانم به صورت مجازی یا الکترونیکی بخوانم. باری،

کتاب‌های الکترونیکی و متن‌های مجازی «خواندن فعالانه» را آسان می‌کنند. من که نویسنده‌ای حرفه‌ای هستم و تاکنون ۳۰ عنوان کتاب تألیف و ترجمه کرده‌ام، خوب می‌دانم که خواندن کتاب‌های الکترونیکی، و تولید و تألیف آن‌ها بسیار آسان و دل‌پذیر است.

شمارگان فراوان کتاب

امروزه نوشتن دیگر با قلم تعریف نمی‌شود، بلکه «صفحه کلید» جای قلم و «نمایشگر رایانه» جای کاغذ و رایانه و اینترنت جای وسایل تکثیر و انتشار متن را گرفته است. من دیگر به آسانی می‌توانم همه متن‌هایی را که دوست دارم، به کمک فناوری الکترونیکی تولید کنم و نوشته‌هایم را با روشی آسان و ارزان در زمانی کوتاه از طریق وب‌سایت شخصی‌ام (فرهنگ‌شناسی) در اختیار دیگران قرار دهم. اکنون روزانه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر از سایت شخصی من دیدن می‌کنند. معنای این امر آن است که من روزانه متن‌های الکترونیکی را در شمارگان ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه تولید می‌کنم و در اختیار خوانندگان واقعی می‌گذارم. خوانندگانی به انتخاب و میل شخصی خود و به دور از هرگونه اجباری، به سراغ متن‌های الکترونیکی من می‌آیند. به راستی که این معجزه بزرگی در تاریخ کتاب و کتابت است. کتاب‌های الکترونیکی نه تنها کار خواندن، بلکه کار نوشتن را نیز چنان آسان کرده‌اند که در آینده نه چندان دور بسیاری از توزیع‌کنندگان میانجی نویسندگان و خوانندگان از میان خواهند رفت؛ منظورم همه کسانی است که امروزه با نام ناشر و کتاب‌فروش ایفای نقش می‌کنند.

تحول در سازمان نشر و توزیع کتاب

اگر در نظر بگیریم که حجم و میزان تولید کتاب نسبت به ۵۰ سال پیش چقدر افزوده شده است، آن‌گاه به سادگی به این واقعیت پی می‌بریم که در سازمان توزیع و نشر کتاب انقلاب بزرگی رخ داده است. ۵۰ سال پیش در ایران (سال‌های دهه ۱۳۴۰) ما سالانه کمتر از دو هزار عنوان کتاب تولید می‌کردیم. اکنون سالانه حدود ۷۵ هزار عنوان کتاب تولید می‌شود. اگر قرار بود به نسبت تولید کتاب، تعداد کتاب‌فروش‌ها در ایران افزایش می‌یافت، ما اکنون باید



اینترنت و اطلاعات آنلاین درباره کتاب به ما کمک می‌کنند، قبل از خرید کتاب بخش‌هایی از آن و نقدهایی درباره آن را بخوانیم و سپس آگاهانه به خرید دست بزنیم

بسیاری از افراد، صاحب «کتابخانه الکترونیکی» بزرگ شخصی شوند. این نوع کتابخانه‌ها مزیت‌های زیادی دارند: به آسانی می‌توان آن‌ها را مدیریت کرد. در کتابخانه الکترونیک شخصی من حدود ۱۰ هزار عنوان کتاب و چندین هزار مقاله وجود دارد. من این متون را در دهها موضوع طبقه‌بندی کرده و در «فولدرهای» مخصوص جای داده‌ام. این فولدرها حکم قفسه‌های چوبی کتابخانه سنتی را دارند. همچنین، من متناسب با موضوعات مورد نیاز و علاقه‌ام، فولدرهایی را شکل داده‌ام و برخی از کتاب‌هایی را که در موضوعات متفاوت می‌گنجد، در فولدرهای متعدد طبقه‌بندی کرده‌ام. قابلیت کپی رایگان کتاب‌ها به ما امکان می‌دهد هر کتاب را در چند فولدر طبقه‌بندی کنیم.

علاوه بر این، دسترسی به کتاب‌ها در کتابخانه الکترونیکی آسان است و می‌توان با یک جست‌وجوی ساده در زمانی کوتاه به آن‌ها رسید. برای من که استاد دانشگاه هستم و باید کتاب‌هایم را در اختیار دانشجویان قرار دهم، این کتابخانه الکترونیکی گنجینه و موهبت عظیمی است، زیرا می‌توانم کتاب‌هایم را بدون اینکه از کتابخانه دور شوند یا آسیب ببینند یا به زحمت بیفتم، در اختیار دانشجویان بگذارم. دانشجویان دائم در کتابخانه من سیر و سیاحت می‌کنند، بدون اینکه وارد خانه و زندگی من شوند.

مطالعه سیار

کتاب‌های الکترونیکی امکان مطالعه و تحقیق در سفر و حضر را فراهم کرده‌اند. وقتی می‌توان کتابخانه‌ای عظیم با صدها هزار کتاب را در رایانه‌ای کوچک با خود همراه داشت، طبیعتاً می‌توان نوع تازه‌ای از انسان اهل مطالعه را تجربه کرد؛ انسانی که ناگزیر نیست برای مطالعه

دهها برابر کتاب‌فروشی‌های موجود کتاب‌فروشی در شهرها و سراسر کشور داشتیم. امروزه کتاب‌ها در شمارگان پایین و در یک «زنجیره الکترونیکی» توزیع می‌شوند. این امر باعث کاهش جایگاه «کتاب‌فروشی سنتی» در دنیای کتاب شده است. بنابراین می‌توان گفت توزیع کتاب به کمک فناوری کتاب‌های الکترونیکی آسان شده است. ما می‌توانیم با جست‌وجوی ساده‌ای در اینترنت و فضای مجازی، نه تنها عنوان‌های کتاب‌هایی را که دوست داریم به دست آوریم، بلکه می‌توانیم همان کتاب‌ها را از طریق اینترنت بخریم. علاوه بر آن، دیدگاه‌های افراد مختلف را درباره کتاب بخوانیم. از این طریق می‌توانیم کتاب را قبل از خرید آن، آگاهانه انتخاب کنیم. پیش‌ترها که فضای مجازی نبود و ما مجبور بودیم از طریق کتاب‌فروشی سنتی کتاب تهیه کنیم، من بارها کتاب‌هایی را خریده‌ام که بعد از مطالعه آن‌ها دریافته‌ام، کتاب دلخواهم نبوده‌اند. امروزه اینترنت و اطلاعات آنلاین درباره کتاب به ما کمک می‌کنند، قبل از خرید کتاب بخش‌هایی از آن و نقدهایی درباره آن را بخوانیم و سپس آگاهانه به خرید دست بزنیم. می‌خواهم بگویم، کتاب‌های الکترونیکی نوعی سازمان اجتماعی جدید در زمینه تولید، توزیع و ارتباط با مخاطبان ایجاد کرده‌اند. بحث درباره سازمان اجتماعی کتاب‌های الکترونیکی بحثی گسترده است.

برای مثال، امروزه بحث‌های مفصل حقوقی و اقتصادی درباره کتاب شکل گرفته‌اند. همان‌طور که اشاره کردم، صنعت و بازار نشر تحت تأثیر کتاب‌های الکترونیکی دستخوش تحولات و بحران‌هایی شده است. این تحولات در نهایت به تغییر سازمان اجتماعی کتاب می‌انجامد، زیرا پیامدهایی به شرح زیر خواهد داشت:

کمک به حفظ محیط

با گسترش کتاب‌های الکترونیکی و مجازی، دیگر ضرورت قطع کردن درختان برای چاپ کتاب از میان می‌رود. بنابراین می‌توان گفت کتاب‌های الکترونیکی بخشی از دنیای سبز هستند؛ دنیایی که در آن از طبیعت و محیط‌زیست مراقبت و کمتر طبیعت را تخریب یا آلوده می‌کنیم.

کتابخانه الکترونیکی شخصی

آسان بودن نگهداری کتاب‌های الکترونیکی موجب شده است که امروزه



کتاب‌های الکترونیکی بخشی از دنیای سبز هستند؛ دنیایی که در آن از طبیعت و محیط‌زیست مراقبت و کمتر طبیعت را تخریب یا آلوده می‌کنیم

به همه کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های جهان متصل است. یعنی هم‌ولایتی‌های من اکنون می‌توانند در صورت تمایل هر کتابی را که دوست دارند، به آسانی تهیه کنند. می‌خواهم بگویم کتاب‌های الکترونیکی به کمک اینترنت باعث کاهش نابرابری شهر و روستا شده‌اند.

الکترونیکی شدن کتاب، علاوه بر عدالت، در گسترش آزادی نیز تأثیرگذار بوده است. کتاب‌های الکترونیکی به کمک فناوری اینترنت دنیای تازه‌ای از نظر دسترسی مردم به انواع متن‌ها و ایده‌ها شکل داده‌اند. کتاب‌های الکترونیکی امروزه امکان کنترل و ایجاد محدودیت از جنبه‌های مختلف برای تولید، توزیع و دسترسی به کتاب‌ها را کاهش داده‌اند. امروزه افراد می‌توانند به‌سادگی کتاب بنویسند و کتاب‌های خود را در دسترس دیگران بگذارند. این امر به معنای آن است که عملاً آزادی بیان و مطرح کردن ایده‌ها به کمک کتاب‌های الکترونیکی و اینترنت گسترش یافته است. مسئله آزادی بیان را می‌توان مانند مسئله عدالت یکی از بزرگ‌ترین ابعاد فرهنگی انقلاب الکترونیکی شدن کتاب‌ها دانست. امروزه ما از طریق فضای مجازی کم‌وبیش به تمام ایده‌ها دسترسی داریم. دیگر تولید دانش در انحصار کامل قدرتمندان، ثروتمندان و اشراف‌زادگان نیست؛ اگرچه آن‌ها هنوز سهم بیشتری دارند. یک روستایی فقیر یا یک فقیر شهرنشین می‌تواند کم‌وبیش به اندازه فردی ثروتمند یا قدرتمند ایده‌هایش را مکتوب و مدون کند و به سرعت از طریق اینترنت در اختیار دیگران قرار دهد.

آن روی سکه: چالش‌های کتاب‌های الکترونیکی

در همین‌جا باید آن روی سکه انقلاب الکترونیکی در دنیای کتاب را نیز یادآوری کرد؛ منظور نواقص و پیامدهای ناشایست محتمل در زمینه کتاب‌های الکترونیکی و انقلاب آن‌هاست. اولین مسئله در زمینه الکترونیکی شدن کتاب این است که تولید انبوه و بی‌حد و حصر متن‌ها از طریق فناوری‌های الکترونیکی سبب شده است، هر نوع متن اعم از خوب یا بد و هر نوع کالا، حتی کالاهای بنجل، به همان اندازه متن‌های خوب قابلیت ارائه و عرضه پیدا کنند. این امر ممکن است نوعی آشفتگی و بی‌نظمی در جهان کتاب ایجاد کند. امروزه تولیدکنندگان متن‌های مجازی کم‌وبیش از فرصت برابر برای عرضه متن‌های خود برخوردارند. این امر ممکن است مصرف‌کنندگان یا خوانندگان کتاب را تهدید کند؛ زیرا همه مردم برای تشخیص متون مفید، مؤثر و سالم از متن‌های دیگر «توانایی برابر» ندارند. من در اینجا نمی‌خواهم از نوعی استبداد در دنیای کتاب حمایت کنم. نمی‌خواهم

به کتابخانه یا خانه شخصی‌اش محدود شود. اکنون کتاب‌ها به کمک فناوری دیجیتالی از حوزه عمومی (کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی) به حوزه کاملاً خصوصی ما انتقال یافته‌اند. ما در این فضای خصوصی ارتباط صمیمانه‌تری با دنیای کتاب برقرار می‌کنیم. ضمناً ما این امکان را پیدا کرده‌ایم که از تمام فرصت‌ها و زمان‌های زندگی، از جمله زمان‌های مرده و پراکنده، برای خواندن و نوشتن استفاده کنیم.

کتاب‌های الکترونیکی کتاب را بیش از گذشته به «اشیای خانگی» تبدیل کرده‌اند. کتاب‌های الکترونیکی در عین حال به ما این فرصت می‌دهند، کتاب‌های دلخواه‌مان را در رایانه شخصی به شیوه‌ای کاملاً خصوصی و به دور از چشم دیگران نگهداری کنیم؛ طوری که در معرض دید و دسترس دیگران نباشند. این امر رابطه ما با کتاب‌ها را صمیمانه‌تر می‌سازد، زیرا از وجود کتاب‌ها کمتر احساس ناامنی می‌کنیم.

عدالت، برابری و کتاب الکترونیکی

همچنین، کتاب الکترونیکی به عدالت و برابری بیشتر در جامعه کمک می‌کند. وقتی می‌توان متن‌های مجازی و کتاب‌های الکترونیکی را ارزان یا رایگان به دست آورد، همه افراد از جمله گروه‌های فقیر نیز دسترسی کافی به دنیای کتاب خواهند داشت. امروزه در پرتوی دیدگاه پیر بورديو، جامعه‌شناس فقید، در زمینه نقش انواع و میزان سرمایه فرهنگی در نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توان از نقش کتاب‌های الکترونیکی در ایجاد عدالت سخن گفت. ما می‌دانیم که بخش مهمی از نابرابری‌ها ناشی از ناتوانی یا کم‌توانی در دسترسی به انواع سرمایه‌های فرهنگی است. امروزه افراد کم‌درآمد مسلماً نمی‌توانند مانند ثروتمندان خودروی گران‌قیمت، یا خانه‌ای در بالای شهر داشته باشند، اما می‌توانند مانند ثروتمندان کتاب‌خانه بزرگی از کتاب‌های الکترونیکی در رایانه شخصی خودشان یا محل کارشان بسازند. بنابراین، کتاب‌های الکترونیکی را می‌توان نوعی انقلاب در عدالت فرهنگی دانست؛ انقلابی که از طریق آن، حداقل کتاب‌ها دیگر سهم کمتری در تولید یا بازتولید نابرابری دارند.

عدالت جنسیتی و کتاب‌های الکترونیکی

با ورود کتاب‌های الکترونیکی نوعی «عدالت جغرافیایی» نیز ایجاد شده است. من تا ۲۰ سالگی در روستایی در «فراهان» زندگی کرده‌ام. آن روزگار که من در روستا بودم، دسترسی به کتاب آرزویی بزرگ بود. به‌خاطر دارم که سالی چند نوبت همراه پدرم به اراک می‌آمدم و هر بار دو یا سه کتاب می‌خریدم. تمام سرگرمی من تا دیدار بعدی‌ام از اراک، همین چند کتاب بودند. اکنون «مصلح‌آباد»، زادگاه من، از طریق اینترنت



کتاب‌های الکترونیکی و متن‌های مجازی، اگرچه آسان‌یاب هستند و موجب نوعی عدالت و برابری و نوعی حفاظت از محیط‌زیست می‌شوند، اما باید در نظر داشت که این دنیای مجازی ممکن است به اشکال مختلف نوعی اختلال در دنیای واقعی تعاملات چهره‌به‌چهره و رودرروی ما انسان‌ها به‌وجود آورد. امروزه مسئله «اعتیاد اینترنتی» یا «اعتیاد رایانه‌ای» بیماری عمومی شده است

را فراهم کرده است. اما همچنان گروه‌های زیادی در حاشیه هستند و از محرومیت دیجیتالی رنج می‌برند. همچنین محصولات دیجیتالی، از جمله متن‌های مجازی، نقش مهمی در شکل دادن و رونق حوزه عمومی ایفا می‌کنند و به آزادی و گفت‌وگو در حوزه عمومی منجر شده‌اند. اما همچنان حوزه عمومی در ایران و گفت‌وگوی آزاد با محدودیت‌ها و کاستی‌هایی مواجه است. پرسش این است که چگونه می‌توان از فرهنگ دیجیتالی برای گذر از این محدودیت‌ها سود برد؟ همچنین، فرهنگ دیجیتالی امید و نویدهای تازه‌ای برای ارتقای فرهنگ و «توسعه فرهنگی» ایجاد کرده است. اما همه ما می‌دانیم که در این فرهنگ متن‌های مجازی غیرمجاز و هرزه‌نگاری نیز رونق دارند. به‌علاوه، اندیشه‌های کوتاه‌فکرانه و خرافی اکنون فرصت دارند که خود را از راه همین رسانه‌های دیجیتالی تا بی‌نهایت تولید و تکثیر کنند.

این چالش‌ها برای جوامعی مثل ایران که حساسیت‌های دینی و سیاسی خاصی دارند، طبیعتاً چالش‌های بزرگی محسوب می‌شوند و باید آن‌ها را در گفت‌وگوهای جمعی در حوزه عمومی بحث کرد. محصولات دیجیتالی که به کمک شبکه جهانی اینترنت تولید و توزیع می‌شوند، به ما کمک کرده‌اند تا در «بازار جهانی» فرصت انتخاب و دسترسی به طیف بی‌نهایت متنوع و متنوعی از محصولات را داشته باشیم. این امر آزادی و قدرت انتخاب فرد را تا بی‌نهایت افزایش داده است. اما آن روی سکه این است که آزادی و نامحدودیت در انتخاب، موجب سردرگمی و آشفتگی ما در این بازار بی‌در و پیکر نیز شده است.

چالش بزرگ‌تر فرهنگ دیجیتالی و کتاب‌های الکترونیکی، چالش «شکاف دیجیتالی» است. اگرچه متن‌های مجازی همان‌طور که گفتیم، به توسعه عدالت به اشکال متفاوت کمک کرده‌اند، اما در عین حال در خدمت تولید و بازتولید اشکال گوناگون نابرابری‌های ملی و بین‌المللی بوده و هستند. در سطح ملی می‌توان به وضوح مشاهده کرد که همه گروه‌ها به یک اندازه توانایی و آمادگی استفاده از متن‌های مجازی و کتاب‌های دیجیتالی را ندارند. اکنون اگرچه فرصت برابر از نظر دسترسی به کتاب‌های الکترونیکی تا حدودی (هر چند نه کامل) وجود دارد، اما همه مردم توانایی استفاده از این فرصت را ندارند. استفاده از کتاب‌های الکترونیکی، علاوه بر دسترسی، نیازمند توانایی برای استفاده نیز هست. برای مثال، کسانی که به یکی از زبان‌های لاتین به‌ویژه انگلیسی تسلط دارند، بهتر و بیشتر از دیگران می‌توانند از کتاب‌های الکترونیکی استفاده کنند. همچنین، کسانی که با فرهنگ و دنیای دیجیتالی آشنایی بیشتر و عمیق‌تری دارند، از آمادگی بیشتری برای استفاده

بگویم در این شرایط باید به بهانه احتمال وجود متن‌های نامناسب، آزادی افراد را برای بیان ایده‌هایشان از آن‌ها سلب کنیم. یا نمی‌خواهم از این ایده دفاع کنم که باید دسترسی مردم به جهان مجازی کتاب را محدود سازیم. همچنین، من قبول دارم که در نهایت بهترین قاضی برای قضاوت در زمینه کتاب‌ها خرد جمعی است. اما در عین حال نمی‌توانم این واقعیت را نیز انکار کنم که در این جهان مجازی بی‌انتهای و آزاد، هر متن و محتای وجود دارد و این امر یعنی نوعی مخاطره فرهنگی.

دومین مسئله این است که کتاب‌های الکترونیکی و متن‌های مجازی، اگرچه آسان‌یاب هستند و موجب نوعی عدالت و برابری و نوعی حفاظت از محیط‌زیست می‌شوند، اما باید در نظر داشت که این دنیای مجازی ممکن است به اشکال مختلف نوعی اختلال در دنیای واقعی تعاملات چهره‌به‌چهره و رودرروی ما انسان‌ها به‌وجود آورد. امروزه مسئله «اعتیاد اینترنتی» یا «اعتیاد رایانه‌ای» بیماری عمومی شده است. افراد در نتیجه کار مداوم و طولانی با رایانه که از همان کودکی با بازی‌های رایانه‌ای آغاز می‌شود، به تدریج به صفحه نمایش اعتیاد روانی پیدا می‌کنند. کاهش ارتباط فردبه‌فرد انسانی اگر عمیق شود، مانع بزرگی در راه تعالی انسان می‌شود و به کیفیت زندگی عاطفی انسان لطمه‌ای جبران‌ناپذیر می‌زند. همه کسانی که امروزه درگیر دنیای دیجیتالی هستند، باید مراقب تعاملات چهره‌به‌چهره انسانی خود باشند که از حدی کمتر نشود. دنیای دیجیتالی قادر نیست برخی نیازهای عاطفی و ارزشی ما را که تنها در نتیجه ارتباط رودررو برآورده می‌شوند، پاسخ دهد.

من همیشه دانشجویانم را به مطالعه بیشتر ترغیب و تشویق می‌کنم. اما مطالعه آنلاین و الکترونیکی معمولاً به خواندن الکترونیکی محدود نمی‌شود، بلکه ما وقتی که وارد جهان مجازی می‌شویم، به‌طور ناخودآگاه به گوشه و کنارهای این دنیای بی‌انتهای سرک می‌کشیم. من که فرد بالغی هستم، هر روز بخشی از لحظات زندگی‌ام را در این گشت‌وگذارهای بیهوده تلف می‌کنم. طبیعی است که نسل جوان ما بیش از من درگیر این دنیای مجازی شوند. می‌خواهم بگویم کتاب‌های الکترونیکی ناخواسته ممکن است میانجی ارتباط افراد با دنیای مجازی به شیوه افراطی شوند. گاهی خود رسانه کتاب الکترونیکی، ما را در ورطه مشغولیت‌های بی‌ارزش و بی‌اهمیت گرفتار خود می‌سازد. همان‌طور که گفتیم، کتاب‌های الکترونیکی امکان مشارکت گسترده‌تر گروه‌های مختلف مردم در فرایندهای تولید و توزیع و کاربست دانش و اشکال مختلف آگاهی

یکی دیگر از چالش‌های بزرگ کتاب‌های الکترونیکی داستان «حق مؤلف» و رعایت حقوق مادی و معنوی مؤلفان و صاحبان آثار است

را در سایت شخصی‌ام قرار می‌دهم، بارها دیده‌ام نوشته‌هایم توسط دیگران کپی و بدون ذکر نام من و با نام دیگران منتشر شده‌اند. گاهی نیز فایل کتابی بدون اجازه ناشر و مؤلف به‌طور رایگان در دنیای مجازی قرار می‌گیرد و موجب از بین رفتن ارزش اقتصادی کتاب می‌شود. این کار فعالیت نشر را در خطر نابودی قرار می‌دهد.

سخن آخر

انسان از همان ابتدای پیدایش خود استعداد شگرفی برای تولید و انتقال اطلاعات داشته است. نقاشی‌های دیواره غارها خط میخی و انواع نمادهای تصویری که انسان حدود شش هزار سال پیش ابداع کرد، حکایت از این استعداد ما می‌کند. اجداد ما، سامری‌های مقیم بین‌النهرین (عراق امروز)، در حدود شش هزار سال پیش از نوعی قلم برای نوشتن اعداد روی خشت خام استفاده کردند. از آن زمان تاکنون نوشتن به‌تدریج توسعه یافت و به‌تدریج به پاره‌ای از زندگی روزمره ما آدم‌ها تبدیل شد تا جایی که دیگر چنان در زندگی ما هضم و حل شده است که وجود آن را لمس نمی‌کنیم. متن‌های مجازی یکی از متأخرترین فناوری‌های بشر ساخت هستند. این فناوری به سرعت در حال جذب و حل شدن در زندگی روزمره ماست، چنان‌که از همین اکنون دیگر چندان حضورش از فرط حضور دیده نمی‌شود. پدیده‌ها وقتی این‌گونه بخشی از زندگی روزمره ما می‌شوند، نیازمند «آشنایی‌زدایی»^۱ هستند. آشنایی‌زدایی راهبردی است برای دیدن آنچه که در زندگی ما به امور طبیعی و پیش پا افتاده تبدیل شده‌اند و از فرط حضور دیگر دیده نمی‌شوند. من در گفتار حاضر تلاش کردم این وظیفه را تا حدی انجام دهم. این متن‌ها با تمام چالش‌هایی که با آن مواجه‌اند و تولید می‌کنند، استاندارد زندگی را بالا برده‌اند. ما به کمک متن‌های مجازی به شیوه‌ای متفاوت و پیشرفته برای اندیشیدن و بازاندیشی و شیوه‌ای آسان برای گفت‌وگوی جدی درباره زندگی دست یافته‌ایم.



از کتاب‌های الکترونیکی برخوردار هستند. از این‌رو، همه مردم نمی‌توانند استفاده‌کنندگان مؤثر و واقعی کتاب‌های دیجیتالی باشند. در سطح بین‌المللی نیز نابرابری عمیقی توسط فضای مجازی و کتاب‌های دیجیتالی تولید و بازتولید می‌شود. این واقعیتی آشکار است که بخش عمده کتاب‌های الکترونیکی که در جهان از آن‌ها استفاده می‌شود، به زبان انگلیسی‌اند. کتاب‌های مزبور نیز عمدتاً توسط دانشگاه‌های انگلوساکسون تولید و توزیع می‌شوند. سایر کشورها عمدتاً مصرف‌کننده این محصولات به‌شمار می‌روند و نه تولیدکننده آن‌ها. از این‌رو، نوعی هژمونی و مرکزگرایی غربی در جهان دیجیتالی به‌ویژه در تولید کتاب‌های الکترونیکی دانشگاهی حاکم است. این هژمونی موجب تثبیت سلطه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غرب بر سایرین شده و می‌شود. در چنین فضای نابرابر بین‌المللی، دانشگاه‌های انگلوساکسون می‌توانند از طریق کتاب‌های الکترونیکی «دائغه دانشگاهی» جهان را دیکته کنند.

یکی دیگر از چالش‌های بزرگ کتاب‌های الکترونیکی داستان «حق مؤلف» و رعایت حقوق مادی و معنوی مؤلفان و صاحبان آثار است. کتاب‌های الکترونیکی زمینه «سرقت ادبی» و «سرقت مادی» کتاب‌ها و متن‌ها را آسان کرده است. این داستان را دیگران همواره گوشزد کرده‌اند و نیازی نیست درباره آن زیاد گویی کنم. هر چند هر مقدار بگوییم، باز هم باید گفت تا شاید به خود یادآوری کنیم که بدون امنیت الکترونیکی و حرفه‌ای در حوزه تألیف، تولید و توزیع، ممکن است فرایند توسعه علمی و فرهنگی کشور دچار اختلال جدی شود. من که اغلب نوشته‌هایم

پی‌نوشت

1. defamiliaization

